

The emergence of ISIS in the Kurdistan region of Iraq, the opportunities and challenges of the national security of the Islamic Republic of Iran

Mahdi Zakerian¹, Ali Noori²

Abstract

If we look at the map of the countries of the region, especially the four countries of Syria, Iran, Iraq and Turkey, as well as the dispersion of the Kurds, we find that these countries are located in one of the most critical regions of the world. In recent decades, major crises have occurred in this region. The crises that the Kurds themselves have born them of. Iraqi Kurdistan is located in the pull and thrust of three cultural and civilization fields, Iranian, Arab and Turkish. The mentioned fields are ideological fields with technocratic-oligarchic attitudes, which minimizes the ability to be absorbed in the field for the Kurds.

The present research, answering the main question that is, the impact of the emergence of ISIS in the Kurdistan region of Iraq on the national security of the Islamic Republic of Iran, examines the environmental awareness and bilateral relations between Iran and Iraqi Kurdistan in the ISIS crisis, and the opportunities and challenges of this crisis on the national security of the Islamic Republic of Iran. Analyzes. The research method is a combination of the researcher's field experiences and the use of library resources. According to the findings of the research, the challenges such as: the presence of groups hostile to the Islamic Republic of Iran "the Democratic Party of Iran, Komleh Party, P.K.K" and other groups, the ethnic issue of the Kurds and then the dream of forming a greater Kurdistan, the increasing openly and secretly relations of the Kurds with America and the Zionist regime, creating a safe backyard for the activities of the secret branches of ISIS terrorist groups are more than the opportunities which is one of the most important national security challenges of the Islamic Republic of Iran in the Kurdistan region of Iraq.

Keywords: *Kurdistan Region, ISIS, Challenge, Opportunity, National Security.*

1- Associate Professor, Member of the Faculty of International Relations, Islamic Azad University, Sciences and research Unit Tehran, Iran.

2 - Ph.D. student at Political Sciences Faculty, Unit of Tabriz Azad University

ظهور داعش در اقلیم کردستان عراق، فرصت‌ها و چالش‌های

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مهدی ذاکریان^۱، علی نوری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷

چکیده

اگر به نقشه کشورهای منطقه، به ویژه چهار کشور سوریه، ایران، عراق و ترکیه و نیز پراکنندگی کردها نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم که این کشورها در یکی از بحرانی‌ترین مناطق دنیا قرار گرفته‌اند. در ده‌های اخیر بحران‌های بزرگی در این منطقه روی داده است؛ بحران‌هایی که خود کردها مولود آن می‌باشند. کردستان عراق در حوزه کشش و رانش سه میدان فرهنگی و تمدنی، ایرانی، عرب و ترک قرار دارد. میدان‌های مذکور، میدان‌های ایدئولوژیک با نگرش‌های تکنوکراتیک - الیگارشیک هستند که قابلیت جذب در میدان را برای کردها به حداقل می‌رساند. پژوهش حاضر ضمن پاسخگویی به سؤال اصلی یعنی تأثیر ظهور داعش در اقلیم کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، با بررسی شناخت محیطی و روابط دوجانبه ایران و کردستان عراق در بحران داعش، فرصت‌ها و چالش‌های این بحران بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. روش پژوهش، آمیخته‌ای از تجربیات میدانی محقق و استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. بنا به یافته‌های پژوهش، چالش‌ها از فرصت‌ها بیشتر بوده و حضور گروهک‌های معاند با جمهوری اسلامی ایران از قبیل حزب دمکرات ایران، حزب کومله، p.k.k و سایر گروهک‌ها، مسئله قومیتی کردها و در پی آن رؤیای تشکیل کردستان بزرگ، ارتباطات روزافزون کردها با آمریکا و رژیم صهیونیستی در آشکار و پنهان، ایجاد حیاط خلوتی امن برای فعالیت هسته‌های مخفی گروهک‌های تروریستی داعش، از مهم‌ترین چالش‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی در حوزه اقلیم کردستان عراق می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اقلیم کردستان، داعش، چالش، فرصت، امنیت ملی.

۱- دانشیار عضو هیات علمی گروه روابط بین الملل دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران.

مقدمه

اقلیم کردستان عراق به عنوان یک منطقه فدرال در کشور عراق واقع شده است. این منطقه از جهاتی برای جمهوری اسلامی ایران مهم و استراتژیک تلقی می‌شود؛ به همین خاطر هرگونه تغییر در ترکیب سیاسی و حکومتی این اقلیم، اثر مستقیمی بر جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. از این رو شناخت و رصد لحظه‌ای اتفاقات کردستان عراق برای اتخاذ سیاست‌های مطلوب، ضروری به نظر می‌رسد. اقلیم کردستان عراق به دلیل استقرار در میان سه کشور جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و سوریه همواره مورد توجه کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرار داشته و دارد. شناخت ابعاد مختلف منطقه اقلیم کردستان عراق این امکان را به ما می‌دهد تا با حساسیت بیشتری موارد مربوط به اقلیم را مورد ارزیابی و قضاوت قرار دهیم.

از سال ۱۳۸۲ هم‌زمان با اشغال عراق توسط آمریکا و گسترش فعالیت‌های آنان در این اقلیم با عناوین و پوشش‌های مختلف، همواره شاهد تغییر و تحولات در کردستان عراق بوده‌ایم. در سطح منطقه نیز تلاش‌هایی جهت دخالت و فعالیت در کردستان عراق صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به اهداف ترکیه برای ایفای نقش در اقلیم کردستان عراق طی سال‌های اخیر اشاره کرد. همچنین تلاش‌هایی که اکراد در زمینه استقلال‌طلبی و آرمان‌خواهی داشته‌اند، باعث گردیده تا دولت کردی پیش‌ازپیش مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرار گیرد.

اقلیم کردستان عراق در سال ۱۹۷۰ میلادی به عرصه سیاسی منطقه وارد شد. زبان رسمی آن کردی و نوع حکومت این اقلیم، نظام پارلمانی است. ساختار سیاسی آن دموکراتیک و پایتخت آن شهر اربیل است. هم‌اکنون آقای نیچروان ادريس بارزانی، ریاست اقلیم کردستان و مسرور بارزانی نخست‌وزیر اقلیم آن را بر عهده دارد. واحد پول این منطقه، دینار عراقی و نوع تقویم آن گریگوری میلادی است.

کردستان عراق به دلیل داشتن مرزهای طولانی با جمهوری اسلامی، همسایگی با قوم کرد ایران، حضور عناصر ضدانقلاب کرد و سایر ملاحظات تاثیرگذار بر امنیت ملی و افکار عمومی کردهای جمهوری اسلامی؛ همواره به عنوان تکیه‌گاهی برای قوم کرد ایرانی به حساب می‌آمده است. با توجه به پیچیدگی اوضاع، شرایط کردستان عراق و ساختار داخلی آن و نیز حضور پ‌ک، ک، جریانات اسلامی و اقلیت‌های دینی، این منطقه همواره مورد توجه مسئولان ایرانی بوده است.

در همین راستا و بر اساس این ملاحظات، این پژوهش به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حضور داعش در اقلیم کردستان عراق پرداخته است.

پیشینه پژوهش

یلدیز (۱۳۹۱) در کتاب «کردها در عراق، گذشته، حال و آینده» بر پایه رهیافتی نوین به بررسی وجوه مختلف مسئله کردها در عراق از گذشته تاریخی تا اواخر دهه ۲۰۰۰ پرداخته است. او به خوبی میان قطعات مختلف تاریخ سیاسی و اجتماعی کردها در عراق ارتباط برقرار کرده و دلایل مترتب بر آن وضعیت را در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بیان می‌کند. پژوهش حاضر اما علاوه بر بررسی این وضعیت در عراق، در سایر کشورها از جمله ترکیه و سوریه را نیز دربر می‌گیرد.

دیوید فیلدهاوس (۱۳۹۶) کتاب «کردها، عرب‌ها و انگلیسی‌ها: خاطرات والاس لایان در عراق» را بر اساس خاطرات والاس لایان در عراق گردآوری و تألیف کرده است. این اثر حاصل دیده‌ها و نیز مأموریت‌های لایان در عراق و نیز مناطق کردنشین در دوران بین دو جنگ جهانی است. تفاوت بارز مقاله حاضر با این اثر، توجه خاص به مسئله کردها در پژوهش حاضر می‌باشد. دیوید فیلیس (۱۳۹۶) متخصص مسائل کردها و استاد برجسته آمریکایی در سال ۲۰۱۵، کتاب «بهار کردی» را با تأکید بر تحولات مناطق کردنشین، خصوصاً با تمرکز بر کردستان عراق منتشر نمود. فیلیس در این کتاب انقیاد کردها از سوی قدرت‌های عرب و عثمانی را مورد واکاوی قرار داده و تحول وضعیت کردها را از قربانی قدرت‌های بزرگ به سوی جامعه منسجم سیاسی را مورد مذاقه قرار می‌دهد. علاوه بر استفاده محقق این مقاله از اثر مذکور، توجه به ارتباطات گسترده احزاب کردی از جمله دمکرات و پ.ک.ک. با آمریکا تفاوت پژوهش حاضر با کتاب مذکور می‌باشد.

یورگن تودنهوفر (۱۴۰۰) در کتاب «ده روز با داعش» مقدمات و ماجراهای پیش از سفر، شرح عینی ده روز اقامت و نیز پایان سفرشان را به دقت، بازگو می‌کند. «ده روز با داعش» کتابی است بسیار خواندنی، جذاب، دقیق و موشکافانه. این کتاب، شرح سفر جسورانه ده روزه روزنامه‌نگار آلمانی است به همراه پسرش و یکی دیگر از دوستان وی به قلمرو داعش. او در

فصل‌های ده‌گانه این کتاب، کتاب فوق‌بیشتر به حواشی و اتفاقات اجتماعی روانی موضوع پرداخته و آنچه سرکردگان و گردانندگان داعش به دنبال آن بوده‌اند، حلقه مفقوده موضوع بوده که سعی شده در این پژوهش بدان نیز اشاره گردد و این مهم تفاوت کتاب فوق با پژوهش حاضر می‌باشد.

حق پناه (۱۳۸۷) در کتاب «کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی تحولات منطقه‌ای و خاورمیانه‌ای کردها در قبل و بعد از انقلاب اسلامی پرداخته است. در این کتاب مسئله کردها و منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای شدن این مسئله، سیاست کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه در رابطه با کردها، نقش بازیگرانه آمریکا در هدایت قومیت‌ها با توجه به نظریه موازنه فراگیر، رشد ناسیونالیسم کردی و چالش‌های فراروی دولت‌ها، پیوندها و هویت‌های قومی و فرهنگی کرد توضیحاتی داده شده است.

سجادی (۱۳۷۹) در کتاب «تاریخ جنبش‌های کردستان» به تاریخچه اکراد، جمعیت و مناطق کردنشین، وضعیت اجتماعی کردها، خیزش‌های کرد و قیام مه‌باد و غیره اشاراتی تاریخی داشته است. نویسنده کتاب پیشنهاد داده است که این کشورها باید بجای استفاده از نیروهای نظامی و امنیتی و سیاسی در کردستان، فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی را جایگزین کنند. موضوع کردستان ایران و همکاری‌های آنان با اکراد عراقی نیز در این کتاب مورد کنکاش قرار گرفته شده است. در کتاب تاریخ کردستان هرچند سیری به گذشته اکراد شده ولی دو نوع بهره‌برداری را از این پژوهش می‌توان مورد استفاده قرار داد. اولی در مورد چالش‌های آینده ایران در کردستان عراق و مسئله قوم کرد و دومی تأثیرگذاری مسئله قومی بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران.

در کتاب «اصول و تحولات فرهنگی و سیاسی عراق» که کردستان عراق نیز جزء آن می‌باشد، به اصول و تحولات فرهنگی و سیاسی عراق و قومیت‌های آن کشور پرداخته شده است. در کتاب مذکور ضمن اشاره کوتاه به تاریخچه اکراد شمال عراق، به دستاوردهای آنان در سال‌های اخیر اشاره و تشکیل جبهه مشترک کردستانی و مبارزه علیه صدام و نیز غلبه فرهنگ حزبی به قبیله‌ای و مراحل دستاوردهای سیاسی کردستان عراق را مورد توجه قرار داده است. وجود دیدگاه چپ‌گرا و راست‌گرا در احزاب پارتی و اتحادیه میهنی کردستان عراق مورد مطالعه قرار گرفته و به هم‌پیمانی مصطفی بارزانی با اسرائیل برای تضعیف ارتش عراق اشاره شده است.

در این کتاب همچنین همکاری‌های اتحادیه میهنی را با حزب کومله ایران، مباحث فدرالی، استقلال کردستان عراق و پارلمان و دولت اقلیم کردستان عراق و نیز سیر تحولات سیاسی به خوبی متذکر شده است. در ادامه این کتاب، تاریخچه و گسترش ترکمان‌های سنی و شیعه و وضعیت موجود آنان توضیح داده است. در این کتاب ارائه راهکار و نتیجه‌گیری برای مقابله با تهدیدات اکراد عراق علیه ایران، مغفول مانده است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله توصیفی تحلیلی می‌باشد. اطلاعات موردنظر نیز عمدتاً حاصل تجربیات میدانی پژوهشگر و برخی نیز از طریق کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده است.

محدودیت‌های پژوهش

- ۱- اجرای پژوهش: برخی از مطالب اشاره شده به بررسی میدانی و مصاحبه با افراد خاص نیاز دارد که این امر نحوه گردآوری مطالب را مشکل ساخته است.
- ۲- حجم نمونه: به جهت گستردگی احزاب مورد اشاره در پژوهش، به‌ناچار می‌بایست از نمونه‌گیری تصادفی استفاده کرد که این موضوع ممکن است در رسیدن به تحلیلی درست، مسیر را دشوارتر کند.
- ۳- نوآوری: شیوه نگارش این پژوهش که دارای نوآوری خاصی با تلفیق مصاحبه، مشاهده، حضور میدانی و ... می‌باشد، خود نوعی محدودیت محسوب می‌شود.

سؤالات تحقیق

- سؤال اصلی:
- تأثیر ظهور داعش در اقلیم کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟
- سؤالات فرعی:
- تأثیرات مبارزه اکراد (احزاب رسمی) با داعش بر آینده اقلیم کردستان عراق کدام است؟
 - چه میزان از اهداف احزاب کردی در مبارزه با داعش تحقق یافته است؟

تعریف مفاهیم

امنیت ملی: امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی، اقتصادی بیگانه در امان بوده و در راه پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد. (سرهات و اورکمن ۱۳۸۹)

تعریف سازمان ملل از امنیت ملی

امنیت ملی عبارت است از اینکه کشورها هیچ‌گونه احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکرده و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب کنند.

اقلیم کردستان

کردستان عراق یا اقلیم کردستان، یک منطقه کوهستانی و خودمختار در بخش شمالی کشور عراق است. کردستان عراق از شرق با ایران، از شمال با ترکیه و از غرب با سوریه هم‌مرز بوده و پایتخت آن اربیل است. نام اربیل بر اساس قاعده قلب آوایی زبان کردی با تحریف آوایی روبه‌رو شده و توسط کردها به صورت «هه‌ولیر» تلفظ می‌شود. در منطقه کردستان عراق علاوه بر کردها، اقلیت‌های آشوری، ترکمن، عرب، کلدانی، ارمنی و غیره نیز زندگی می‌کنند. اکثریت مردم کردستان عراق، مسلمان سنی مذهب می‌باشند. کردها پس از سرنگونی رژیم حزب بعث عراق، حکومت سرزمین کردستان در عراق را تشکیل دادند.

داعش

دولت اسلامی عراق و شام یا داعش، گروهی منشعب از القاعده هستند که از منظر گرایش‌های عقیدتی و فکری و همچنین جنبه رفتاری، رویکرد یکسانی با القاعده دارد. با این حال، رفتار این گروه تروریستی در طول یک دهه گذشته و به خصوص چند سال اخیر، نشان می‌دهد که این گروه در مقایسه با القاعده دارای افکار رادیکال‌تر و اعمال خشونت‌آمیزتری می‌باشند. داعش با توجه به جدایی از القاعده و پیدایش اختلافاتی بین آن دو به عنوان مخوف‌ترین و قدرتمندترین گروه تروریستی در منطقه خاورمیانه ظهور کرده است. هرچند که داعش در شکل کنونی آن محصول بحران سوریه و گسترش اختلافات و منازعه‌های منطقه‌ای بعد از ۲۰۱۱ است،

اما ریشه‌ها و روند قدرت گرفتن آن به دوره پس از حکومت صدام در عراق، یعنی از سال ۲۰۰۳ به بعد مربوط است. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ فرصت و فضای مناسبی را برای حضور و نقش‌آفرینی گروه‌های مسلح و تروریستی مختلف از جمله گروه‌های مرتبط با القاعده در این کشور به وجود آورد. این گروه جنایات متعددی را در عراق علی‌الخصوص مناطق شیعه‌نشین آمرلی، جلولا و روستای بشیر مرتکب شدند. (یزدان پناه، ۱۳۹۴، ۲۸۵)

حزب دموکرات

حزب دموکراتیک کردستان (پارتی دموکراتی کردستان KDP، معروف به «پارتی») از احزاب سیاسی کردستان عراق است. بنیان‌گذار آن مصطفی بارزانی بود که از رهبران جنبش ملی‌گرای کردی به شمار می‌رود. علی‌رغم این‌که این حزب در اقلیم کردستان عراق فعال است، اما از همان روز تأسیس، مصطفی بارزانی مخالف ذکر نام کشور عراق در عنوان این حزب بود و هرگز کلمه «عراق» در نام این حزب به کار برده نشده است.

حزب دموکراتیک کردستان در سال ۱۹۴۶ در بغداد تشکیل شد و مصطفی بارزانی که از سال‌ها قبل دست به قیام زده بود و در این زمان در مهاباد بود به رهبری این حزب برگزیده شد. بعد از فرو ریختن جمهوری مهاباد و رفتن بارزانی به شوروی، این حزب مشغول سازمان‌دهی مخفی در عراق شد و بعد از بازگشت بارزانی به عراق پس از کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸، این حزب در عراق به رسمیت شناخته شد و به دفاع از حقوق کردهای عراقی پرداخت. این حزب در سال ۱۹۷۰ خودمختاری را از حکومت وقت عراق گرفت. در سال ۱۹۷۵ در پی قرارداد الجزایر میان شاه ایران و صدام حسین، این حزب مجبور شد به سوی ایران عقب‌نشینی کند. در سال ۱۹۷۹ ملامصطفی بارزانی فوت کرد. بعد از او مسعود بارزانی در یک انتخابات در کنگره حزب، به رهبری این حزب انتخاب گردید. حزب دموکراتیک به مبارزاتش علیه حکومت دیکتاتور عراق ادامه داد تا توانست در سال ۱۹۹۱ در پی یک قیام مردمی و حمله منظم حزب به پایگاه‌های حکومت عراق، خاک کردستان عراق را آزاد و یک حکومت کردی در این منطقه برپا سازد. وی همچنان پس از ظهور و سقوط داعش در این منطقه، ریاست حزب و اقلیم را بر عهده دارد. (قربانی نژاد، ۱۳۸۷، ۲۱۵)

حزب اتحادیه میهنی

اتحادیه میهنی کردستان (به کردی: یه کیتی نیشتمانی کردستان YNK) یک حزب کردی در کردستان عراق است که در سال ۱۹۷۵ تأسیس شده است. رهبر این حزب از بدو تأسیس تاکنون، جلال طالبانی می‌باشد. اتحادیه میهنی در جنگ ایران و عراق، از نیروهای نظامی ایران حمایت می‌کرد. ایران به طور سنتی از اتحادیه میهنی و ترکیه از حزب دموکرات کردستان پشتیبانی می‌کند. حزب اتحادیه میهنی در عمل دچار شکاف درونی است. از یک طرف «هیرو ابراهیم» همسر جلال طالبانی و پسرش «بافل» قرار دارند که مخالف مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق، هستند و از سوی دیگر «کسرت رسول» جانشین طالبانی قرار دارد که همچنان به بارزانی وفادار است. سیاست‌های این حزب، عمدتاً همسو با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. (زیباکلام، عبدالله پور، ۶۸: ۱۳۹۰)

چارچوب نظری

ماهیت و ابعاد امنیت ملی

قبل از پرداختن به ویژگی‌ها و ابعاد امنیت ملی، مفهوم امنیت در برداشت سنتی و مدرن و تعریف امنیت ملی ارائه می‌شود.

اصطلاح امنیت از حیث نظری و تجربی به یک اندازه ابهام‌آمیز است: آیا امنیت یک هدف، یک موضوع کاری، یک مفهوم، یک برنامه پژوهشی و یا یک رشته منظم علمی است؟ از امنیت یک مفهوم واحد وجود ندارد «امنیت فردی»، «امنیت اجتماعی»، «امنیت ملی»، «امنیت بین‌المللی و یا امنیت جهانی» که هر کدام به موضوعات مختلف و متفاوتی می‌پردازد و هر یک از چارچوب فلسفی و تاریخی خاصی شکل گرفته است. (سیف زاده، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۸)

مسئله امنیت با وجود قدمت دیرینه‌اش، همواره یکی از مهم‌ترین مسائل مملکت‌داری و یکی از پیچیده‌ترین مسائل در میان مباحث علم سیاست و روابط بین‌الملل می‌باشد. به همین خاطر همواره این موضوع مورد توجه سیاستمداران و اندیشمندان قرار داشته است. معنی کردن مفهوم امنیت ملی در جهان امروز، کار پیچیده‌ای است. ((هافتن دورن)) معتقد است که شکل‌گیری دولت ملی در قرن هفدهم و تمایل آن به بقاء باعث شده است تا امنیت ملی اهمیت اساسی پیدا کند؛ اما «می» اشاره می‌کند که واژه امنیت ملی، تنها در قرن بیستم و بخصوص بعد از جنگ

جهانی دوم متداول شده است. به همین جهت نشانه‌های جنگ سرد به شدت بر محورهای اصلی این مفهوم مسلط است.

ابعاد امنیت ملی: امنیت ملی یک مفهوم چندوجهی است و به همین جهت درباره معنای آن اختلاف نظر وجود دارد. تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارد. (بوزان: ۱۳۸۷)

باری بوزان تشریح می‌کند که امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و از نظر تعریف، مبهم می‌باشد ولی از نظر سیاسی، مفهومی قدرتمند باقی مانده است؛ چون مفهوم نامشخص امنیت ملی، راه را برای طرح راهبردی بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز کرده است. کلود زیچ نیز استدلال می‌کند که دامنه مفهوم امنیت ملی، نیاز به گسترش دارد تا بتواند از عهده رویارویی با انواع چالش‌های جهان امروز برآید. در این تعریف، ابعاد وسیع‌تری از علوم اجتماعی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی جای می‌گیرند. و لفرز نیز بر این اعتقاد است که امنیت ملی به‌طور عینی به معنای فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های مکشبه و به‌طور ذهنی به مفهوم فقدان ترس از جمله به این‌گونه ارزش‌ها دارند. عناصر امنیت ملی دارای ابعاد زیر می‌باشد:

- امنیت ملی و ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و محیطی؛
- اعتبارات امنیت ملی: صافی ارتباطات، صافی اطلاعات، صافی ادراکی؛
- دامنه امنیت ملی و یا عناصر قدرت: تهدید خارجی، اتحاد خارجی، قابلیت داخلی.

در دیدگاه سنتی، امنیت عمدتاً بعدی وجودی - نظامی و حول محور کشور - دولت مرکز قرار دارد. شاید بتوان عصر و ستفالیایی را عصر تحکیم حاکمیت آناارشی کشور - دولت و سپس ملت - دولت دانست. بی‌دلیل نیست که بازی موازنه قدرت طی سه قرن از ۱۶۴۸ تا ۱۹۴۵ میلادی روابط بین دولت‌ها را تنظیم می‌کرد و نظریه‌پردازان موازنه قدرت، به احصاء این مکانیسم‌ها و تفسیر چرایی آن پرداخته‌اند؛ به‌رغم آنکه امنیت در دهه‌های اخیر بسیار پیچیده شده و ماهیت متنوعی پیدا کرده است.

به نظر اکثریت نظریه‌پردازان غیر مارکسیست و غیر کارکردگرا، امنیت موضوعیت خود را

از دست نداده است. اکثریت نظریه پردازان تعاریفی عملیاتی از امنیت ارائه داده‌اند:

- احساس فارغ بودن از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است؛
- امنیت ملی به‌طور عینی به معنای فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های مکتسبه و به‌طور ذهنی به مفهوم فقدان ترس از حمله به این‌گونه ارزش‌هاست؛
- امنیت عبارت است از حفاظت جامعه در برابر لطمه خوردن به نهادها و ارزش‌های بنیادی آن.

کتاب مردم، دولت‌ها و هراس بر این واقعیت تأکید دارد که مفهوم امنیت تحت سلطه انگاره «امنیت ملی» قرار داشته است و تفکر پیرامون امنیت از نظر رهیافت ملی به شکل‌گیری دیدگاهی انجامید که تنها مسائل نظامی را با امنیت یکسان می‌پنداشت. بوزان استدلال کرده است که در جهان امروز باید بر حسب یک مفهوم امنیتی سیستماتیک عام به امنیت ملی نگریست که افراد، دولت‌ها و نظام همگی نقش ایفا می‌کند.

- امنیت نظامی: به اثر متقابل در سطح توانایی‌های تهاجمی و تدافعی کشورها و برداشت‌های آنان از نیات همدیگر مربوط می‌شود؛
- امنیت سیاسی: درباره ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌های است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد؛
- امنیت اقتصادی: پیرامون دسترسی به منابع، سرمایه، پول و بازارهای لازم و ضروری برای حفظ سطوح قابل قبول رفاه و قدرت دولت است.
- امنیت اجتماعی: به پایداری و دوام الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عادات ملی تحت شرایط قابل قبول برای تکامل و تحول مربوط است.
- امنیت زیست‌محیطی: مربوط به حفظ و نگهداری زیست‌بوم محلی و جهانی به عنوان نظام حمایتی و حیاتی و ضروری می‌باشد. (بوزان، ۲۵: ۱۳۸۷)

ارتباط چارچوب نظری با موضوع پژوهش

فرصت‌ها و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در کردستان عراق ارتباط مستقیم با امنیت ملی دارد. پس از اشغال عراق و سقوط رژیم بعثی توسط آمریکا، همگرایی اقلیم کردستان عراق با

آمریکا و سایر بازیگران منطقه فرصت و چالش‌هایی را در کردستان عراق پیش روی ایران قرار داد. این فرصت و چالش‌ها هم در زمینه مناسبات با کردستان عراق و هم راجع به کشورها و بازیگران مرتبط با کردستان عراق و از جمله قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای را مطرح ساخت. (سجادی، علاء‌الدین، ۱۳۷۹)

با توجه به تأثیر پیوستگی‌های هویتی بر ژئوپلیتیک این منطقه، می‌توان چنین تحلیل کرد که زیاده‌خواهی‌های مسعود بارزانی و حزبش (پارتی) در خصوص سهم خواهی از بودجه کل عراق و میزان استخراج و فروش نفت (روزانه ۲۵۰ هزار بشکه) در پایان رویارویی با داعش و اعلام و الحاق بخش‌هایی از استان موصل و کرکوک به خاک اقلیم کردستان عراق باعث گارد گرفتن بازیگران «جویای امنیت» همچون ایران، ترکیه و عراق شده است. (سرهات، ۱۳۷۹: ۴۸)

در ارتباط موضوع پژوهش با مبانی نظری می‌توان گفت که با استفاده از نظریه ابعاد مختلف امنیت ملی رابرت ماندل، ایران در کردستان عراق در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی دارای فرصت‌ها و چالش‌هایی است که تأثیر مستقیم بر امنیت ملی و منافع جمهوری اسلامی ایران دارد. باری بوزان معتقد است بعد امنیت سیاسی یعنی ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد و امنیت اقتصادی، پیرامون دسترسی به بازار سرمایه و پول و بازارهای لازم و ضروری برای حفظ سطوح قابل قبول رفاه و حفظ قدرت و دولت می‌باشد. (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۸)

داعش در اقلیم کردستان عراق

درحالی‌که برخی از رهبران جریان‌ات سیاسی اقلیم کردستان پس از اشغال موصل در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ توسط گروه‌های مسلح مخالف بغداد و دمشق با محوریت گروه «دولت اسلامی عراق و شام» یا همان «داعش» و نیروهای حزب بعث خود را خارج از این جنگ که به گفته آن‌ها «مذهبی و طایفی» بود، می‌دیدند و وضعیت جدید عراق و در تنگنا قرار گرفتن بغداد را فرصتی تاریخی و طلایی برای کردها و تعیین سرنوشت سیاسی این اقلیم در چارچوب برنامه‌ها و آرمان‌های خود به‌ویژه آرمان استقلال ارزیابی می‌کردند، داعش در ۱ اوت ۲۰۱۴ با حمله به مناطق غرب رودخانه دجله و تصرف مناطق زومار، کسک، ربیعه و مرز یعروویه (مرز عراق و سوریه)، این

مناطق را از کنترل نیروهای پیشمرگه خارج کردند. دو روز بعد یعنی در ۳ اوت، داعش از ۳ محور، یورش خود را به مناطق ایزدی نشین در منطقه شنگال آغاز کرد و علیرغم حضور ۴ لشکر نظامی پیشمرگه (وابسته به حزب دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی) توانست این منطقه را به اشغال خود درآورده و با بیرون راندن نیروهای پیشمرگه از منطقه شیرگان و پل استراتژیک خازر در ۴۰ کیلومتری شمال غربی شهر اربیل، منطقه گویر در ۴۵ کیلومتری جنوب غرب اربیل و منطقه مخمور در ۵۵ کیلومتری جنوب غربی شهر اربیل، مرکز اقلیم کردستان عراق را از ۳ محور شمال غربی، غرب و جنوب غربی مورد تهدید جدی قرار دهد. یورش که همچون زلزله و شوک بزرگی بود و جدای از کشتارها و فاجعه انسانی و پیامدهای آن، تأثیراتی عمیق در عرصه سیاسی کردی در عراق برجای گذاشت. (کرد پرس، ۱۳ مرداد ۱۳۹۹)

پس از ظهور داعش و پیدایش بحران سوریه، مسعود بارزانی (ریاست وقت اقلیم) با سیاست‌های ترکیه همگام شد؛ چراکه اولویت اول او صرفاً منافع مالی و مصالح قبیله خود بود؛ اما دستیابی به این امر، مستلزم ایجاد تغییراتی در ساختار حکومتی بود. از این رو برادرزاده خود به نام نیچروان بارزانی را نخست‌وزیر کرد و پسر خود را بر ریاست دستگاه امنیتی گماشت. این در حالی بود که از دولت مرکزی، مجوزی برای این کار نداشت. رفته‌رفته در رسانه‌های حزبی‌اش همواره ادبیات و لحن تهدیدآمیزی بر علیه نوری مالکی بکار برد. او فریاد می‌زد که حقوق کارمندان اقلیم و یا اصلاً بودجه درستی به اقلیم پرداخت نمی‌شود. این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که وی خود را مالک کردستان پنداشت. البته برخی از کشورهای منطقه هم در ایجاد این توهم و خودبزرگ‌بینی، نقش مهمی ایفا نمودند. آن‌ها نگاهشان به وی به عنوان شخصیتی قابل استفاده، اما غیرقابل اعتماد است. به هر حال مسعود بارزانی در راستای سیاست‌های ترکیه گام برداشت و برای آرام نگه داشتن ایران هم نیچروان بارزانی را بر منصب ریاست اقلیم گماشت تا سیاست «مدح‌گویی» را دنبال کند. (تجربیات میدانی پژوهشگر)

مسعود بارزانی پس از نفوذ داعش به خاک عراق، همواره از این موضوع گله‌مند بود که چرا از سوی نوری مالکی، درخواستی مبنی بر به کارگیری کردها در جنگ با داعش صورت نمی‌گیرد. از طرفی از وضعیت به وجود آمده در ارتش عراق و خلأ امنیتی و نظامی در مرزهای عراق، مدام در حال انتقاد بود. وی این مهم را همواره به‌عنوان به حاشیه راندن کردها تلقی می‌کرد. البته او از

سوی دیگر اعلام می‌کرد که نیروهای پیشمرگ کرد در مناطق تحت کنترل داعش که دولت مرکزی پاسخگوی آن است، مداخله نمی‌کنند؛ بنابراین بارزانی تمایل چندانی به ورود به میدان جنگ با داعش نداشت. شاید به نوعی سود خود را در تضعیف مالکی و فروپاشی دولت او می‌دانست. (تجربیات میدانی پژوهشگر)

در این رابطه یک مقام ایرانی (یکی از کارمندان سفارت ایران در عراق) می‌گوید: «در ماه‌های اول حمله داعش به عراق، در ملاقات با بارزانی از او خواستیم که به ارتش عراق برای دفع حمله داعش کمک کند؛ اما او چنین اذعان داشت که «این جنگی است بین اعراب، ما در آن دخالت نمی‌کنیم.» (سایت روزنامه کیهان، ۹۶/۰۷/۱۵)

وی اضافه می‌نماید به بارزانی گفتم: «این‌ها قطعاً به منطقه کردی هم حمله می‌کنند.» بارزانی در پاسخ لبخندی زده و گفت: «این‌ها به ما قول داده‌اند اقدامی علیه کردها انجام ندهند!» آیت‌الله سیستانی، مرجع شیعیان عراق در اوایل حمله داعش به مناطقی در عراق در ملاقات با این مقام ایرانی گفته بود: «من خبر دارم که بخش عمده‌ای از سلاح‌های داعش از طریق هوادارانشان در اربیل تأمین می‌شود.» (سایت روزنامه کیهان، ۹۶/۰۷/۱۵) بارزانی اما با حمله داعش به مواضع اتحادیه میهنی و نزدیک شدن به مرزهای اربیل از جهات مختلف کاملاً احساس خطر نمود. به بیان واضح‌تر چنانچه بخواهیم رفتار بارزانی و پارتی را در خصوص داعش بررسی کنیم، می‌بایست آن را در سه دوره که همگی در طول یک سال اتفاق افتاده‌اند، مورد مطالعه قرار دهیم:

- ۱- دوره اول، زمان سقوط موصل: در این دوره، پارتی سرمست از پیروزی‌های داعش است و خوشحال از اینکه دولت مرکزی شکست را متحمل خواهد شد؛ به هیچ‌وجه حاضر به همکاری با دولت مرکزی و ایران در مقابله با داعش نیست، چرا که در نماندن با حمایت ظاهری آمریکا، رؤیای تشکیل کردستان بزرگ را در سر می‌پروراند.
- ۲- دوره دوم، دوره حمایت ایران از بغداد و صدور فتوای مرجعیت: در این دوره، نیروهای مردمی با فتوای مرجعیت فراخوانی و بسیج عمومی برای مبارزه با داعش تشکیل می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران نیز با حضور نیروهای مستشاری خود در حال آموزش و کمک به این نیروهاست. اقلیم کردستان و در واقع پارتی و مسعود بارزانی عصبانی از این اقدام ایران و توقف پیشروی‌های داعش، همچنان اصرار بر این دارد که ایران نباید

در عراق حضور داشته باشد. در توافق میان کردها با ترکیه، ترکیه متعهد شده است که از ناحیه مرزهای آن کشور، تهدیدی متوجه اقلیم نخواهد شد. از سوی دیگر در سفر مسعود بارزانی به عربستان و اردن، با گردانندگان منطقه‌ای داعش یعنی عربستان و قطر توافق نموده است که چنانچه تهدیدی متوجه اقلیم کردستان نشود، این اقلیم وارد جنگ با داعش نخواهد شد.

۳- دوره سوم، دوره سقوط موصل: پس از گذشت ۴۰ روز از سقوط موصل، عملیات آمرلی اول با حضور حشدالشعبی (نیروهای مردمی) و از خاک اقلیم کردستان در اطراف سلیمانیه بر علیه داعش آغاز شد. هدایت این عملیات با پشتیبانی مستشاری ایران بود. در پی آغاز این عملیات از سمت کردستان، داعش خود را به ۶۰ کیلومتری شهر اربیل به محلی بنام مخمور رسانید.

در پی اعتراض مسعود بارزانی، عربستان و ترکیه از حمایت کردها دست کشیده و اعلام کردند که با این اتفاقات توافق بین ما نیز به هم خورده است. در این هنگام و در زمانی که بارزانی خود را تنها می‌دید، ابتدا از آمریکا درخواست کمک کرد. آمریکایی‌ها اعلام کردند که ارتش آنان، آمادگی حضور در منطقه را ندارد؛ این در حالی است که آن‌ها از قبل طرح پشتیبانی از داعش را آماده کرده بودند. بارزانی سپس با ترکیه وارد مذاکره شد. آنان نیز، کمک به کردها را منوط به موافقت هم‌پیمان خود یعنی عربستان دانستند. بارزانی دست به دامان جمهوری اسلامی شد. شهید حاج قاسم سلیمانی، ساعت ۳ بامداد با حضور در اربیل با وی ملاقات و در خصوص نحوه و چگونگی مقابله با داعش وارد مذاکره شد. (mashregnews.ir/news/387896) پس از آن نیروهای ایرانی با حضور در مخمور از ورود نیروهای داعش به اربیل ممانعت به عمل آورده و در ادامه پس از دو ماه درگیری موفق شدند تا در کنار پیشمرگه‌های کرد، خاک اقلیم کردستان را از لوٹ وجود نیروهای داعشی پاک‌سازی کنند.

کرکوک یکی از مهم‌ترین مناطق نفت‌خیز در شمال عراق است که پس از تحولات پسارفراندومی ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ (همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان) حاکمیت مجدد دولت مرکزی بر آن تثبیت شد. از آن زمان تلاش‌های دو حزب دمکرات و اتحادیه میهنی برای تسلط بر

کرکوک نتیجه‌ای نداشت تا اینکه حمله داعش، بهانه و فرصتی دوباره به اقلیم کردستان داد تا در این منطقه مستقر شود؛ اما پس از پایان درگیری‌ها با داعش و در پی پافشاری مسعود بارزانی، حیدرآبادی، نخست‌وزیر وقت دستور بازپس‌گیری کرکوک را از نیروهای پیشمرگه صادر و نیروهای امنیتی عراق با حمله به این استان موفق شدند کنترل این استان را از دست پیشمرگه خارج کنند.

تحلیل فرصت‌ها و چالش‌ها

کردستان عراق به‌واسطه حضور داعش به صحنه رقابت میان بازیگران و فعالان سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است. برای نمونه می‌توان به حضور پررنگ ترکیه در به دست گرفتن اکثر پروژه‌های اقتصادی کردستان اشاره کرد. لکن علیرغم ایفای نقش به موقع و اساسی جمهوری اسلامی ایران در دفع خطر داعش از این اقلیم، بهره‌برداری از ذخایر عظیم نفت و گاز و استخراج آن، سایر منابع معدنی، امورات کشاورزی، بازارچه‌ها و گمرکات، صنعت گردشگری و توریسم، پروژه‌های عمرانی و آبادانی به دلایلی مثل سابقه بد فعالان شرکت‌های ایرانی در اقلیم، ارزش پول ملی ایران در قبال دلار، عدم حمایت ایران از سرمایه‌گذاران و مشکلات گمرکی و قانونی به سمت دیگر کشورها سوق داده شد و ایران از ایفای نقش و مشارکت جدی اقتصادی در اقلیم باز مانده است.

فرصت‌های سیاسی اقلیم کردستان برای جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: اختلاف میان احزاب سیاسی اقلیم، تقویت اتحادیه میهنی جهت ایجاد تعادل در کردستان عراق، حمایت از جریان‌های اسلامی همسو، اکراد فیلی، پتانسیل مهم حزب تغییر، هم‌پیمانی اکراد با شیعیان در دولت مرکزی عراق، حضور پ ک ک در اقلیم و ... در بحث فرصت‌های سیاسی می‌توان گفت از همان ابتدای انقلاب اسلامی تا سال ۲۰۰۵ میلادی، جمهوری اسلامی ایران تنها کشور تأثیرگذار در ساختار سیاسی کردستان عراق به شمار می‌رود و هنوز هم می‌تواند نقش خود را در تقویت احزاب همسو در این اقلیم ایفاء کند. همچنین می‌توان از پتانسیل پ ک ک و حزب تغییر و احزاب اسلامی به عنوان اپوزسیون به منظور ایجاد تعادل در اقلیم و تأمین منافع خود بهره‌مند شود.

در باب چالش‌های امنیتی ظهور داعش در اقلیم کردستان، می‌توان این چالش‌ها را به ترتیب

زیر اولویت بندی کرد:

- چالش های فرهنگی، اجتماعی و قومی؛
- چالش های سیاسی؛
- چالش های نظامی و امنیتی؛
- چالش های اقتصادی.

با توجه به تجربیات میدانی محقق و همچنین استفاده از تجربیات مراکز علمی و اوضاع فعلی اقلیم کردستان، چالش های ایران در اقلیم کردستان بسیار بیشتر و جدی تر از فرصت ها می باشد. مسائلی از قبیل حضور آمریکا در عراق، وابستگی اقلیم به سیاست های غرب و رژیم صهیونیستی و سایر بازیگران که در تقابل با جمهوری اسلامی ایران هستند و... باعث واگرایی اقلیم به ایران و تهدید برای امنیت ملی و منافع جمهوری اسلامی ایران شده است. مهم ترین موضوع در تحلیل این چالش ها، می توان به قوم گرایی و مسئله ملی کرد اشاره کرد. این موضوع پس از جنگ جهانی اول و در پی تقسیم خاورمیانه به کشورهای مستقل تا امروز، توسط کردها پیگیری شده و هیچ وقت از ذهن اکراد به دور نمانده است. مجاورت جغرافیایی و نزدیکی اقلیم به کردستان ایران، باعث تأثیرپذیری بیشتر و جدی تر قوم کرد ایران از کردستان عراق شده است. با پیشرفت روزافزون ابزارهای ارتباطی مانند اینترنت، ماهواره و تسهیل در روابط کشورها، این تأثیرگذاری بیشتر شده و امنیت ملی ایران و منافع آن نیز فارغ از این موضوع، ارزیابی و تحلیل نمی شود.

چالش های سیاسی از جمله وجود حاکمیت سیاسی، دولت و پارلمان، ریاست بر اقلیم، داشتن قانون اساسی، نقش و حضور اکراد در دولت مرکزی عراق، ارتباط با جهان خارج، حضور پ ک ک در اقلیم، حضور آمریکایی ها و رژیم صهیونیستی در کردستان عراق، قدرت هژمونی حزب دمکرات و وابستگی این حزب به آمریکا و سایر دشمنان ایران، پیشرفت های امنیتی و نظامی اقلیم، حضور ضدانقلاب ایرانی در خاک کردستان عراق، پیگیری کنگره ملی کرد و بحث استقلال طلبی و ده ها مورد دیگر حاکی از وجود چالش های جدی فراروی ایران در اقلیم می باشد که بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر مستقیمی دارد.

در تحلیل این چالش ها می توان متذکر شد که اگر تا به امروز در این رابطه مطالعه دقیق، میدانی، علمی و پژوهشی از سوی پژوهشگران و سایر مراکز مرتبط انجام می شد، امکان چالش های کمتری وجود داشت. انباشت چالش ها در اقلیم برای جمهوری اسلامی ایران

به‌اندازه‌ای جدی است که فرصت‌های موجود ایران در این منطقه را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. در شرایط فعلی به دلیل حضور آمریکا در عراق و تلاش ترکیه به عنوان رقیب اصلی ایران در کردستان عراق، فرصت‌های سیاسی ایران در حال از بین رفتن و جایگزینی آن با چالش‌های سیاسی است؛ چراکه اقلیم برای تقویت موضع جهانی و منطقه‌ای خود مجبور است دنباله‌رو سیاست‌های دشمنان و رقیبان جمهوری اسلامی ایران باشد. اقلیم کردستان عراق با پیشرفت‌های که در زمینه تقویت نهادهای اطلاعاتی، امنیتی، پلیس، نیروهای پیشمرگ، امکانات آموزشی و نظامی کسب کرده است، می‌تواند به عنوان چالش مهمی برای ایران تلقی شود. با حضور عوامل آمریکایی و صهیونیستی و حمایت آنان از نهادهای نظامی و امنیتی دولت کرد در زمینه‌های آموزش، بارها سرویس‌های بیگانه با استفاده از افراد آشنا به زبان فارسی و پناهندگان کرد - که سابقاً در ایران بوده‌اند- در امورات داخلی ایران دخالت کرده و با حمایت و هدایت اغتشاشات داخل کشور مانند کوی دانشگاه، فتنه ۸۸ و اغتشاشات مهرماه ۱۴۰۱، مستقیماً منافع و امنیت ملی ایران را مورد هدف قرار داده‌اند.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر رشد و توسعه فضای مجازی و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، قطعاً به سنگین‌تر شدن مطالبات به‌حق جوامع و در نتیجه لزوم توجه دولتمردان به آراء، نظرات و خواسته‌های ملت‌ها، من‌جمله جامعه کردهای عراق منجر شده است. با این حال اما فقدان زیرساخت‌ها و بسترهای لازم برای پذیرش و ماندگاری دموکراسی در اقلیم کردستان عراق سبب شده تا توسعه سیاسی، برگزاری انتخابات، شکل‌گیری فرهنگ تحزب، در نظر گرفتن آرای مردم و به‌خصوص به‌کارگیری نقطه‌نظرهای منتقدان و اقشار جوان فقط در ظاهر صورت گیرد. از این‌رو بر طول دموکراسی خواهی کردی اندکی افزوده شده، بدون آن‌که این توسعه در عرض و عمق صورت گیرد.

به‌عبارت‌دیگر چون اقلیم کردستان عراق زیرساخت‌های لازم را برای ایجاد گفتمان دموکراسی خواهی در درون خود به واسطه عدم بلوغ سیاسی لازم پیدا نکرده است؛ بنابراین در این جامعه، کردهای عراق با وجود برخورداری از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی متعدد، فعالیت اجتماعی مردم در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، فعالیت احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف و برگزاری انتخابات بیشتر خود را درگیر چالش‌های پیشین تداوم حیات استبداد، حتی به

شکل بارزتر و پررنگ‌تری می‌بینند. لذا این منطقه شاهد بازگشت به وضعیت پیشین در مسیر تقویت استبداد است تا تغییر و تحولی انقلابی. (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸)

اقليم كردستان عراق به واسطه حضور و استمرار سایه سنگين عده معدودی از افراد من جمله (نچيرون بارزانی، مسرور بارزانی، قباد طالبانی، بافل طالبانی، هيرو ابراهيم احمد و در رأس همه آن‌ها مسعود بارزانی) و نیز تداوم حیات دو جریان سیاسی و به بیانی روشن‌تر دو قوم بارزانی و طالبانی، تمسک به پوپولیسم (عوام‌گرایی) و یا بهتر بگوییم دماکوژیسم (عوام‌فریبی) را بهترین نسخه به منظور سوءاستفاده از تغییر و تحولات ناخواسته سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای جوامع امروز در نظر گرفته است تا ضمن نمایش دموکراسی خواهی و توجه به آرای مردمی، کماکان حلقه قدرت در اختیار این تعداد معدود حفظ شود. هر جا هم که این نسخه جواب ندهد، قطعاً پررنگ‌تر شدن مقوله ناسیونالیسم کردی می‌تواند بهترین راه‌حل برای به حاشیه کشیدن انتقادات، مطالبات و در نهایت پیگیری گفتمان دموکراسی در اقليم كردستان عراق باشد. کما این که شخص مسعود بارزانی زمانی که به واسطه تعطیل نگاه‌داشتن پارلمان، به‌زعم خود توجیهی حقوقی برای تداوم حضورش در پست ریاست اقليم كردستان عراق را بیش از موعد مقرر قانونی پیدا کرد، ما شاهد آن بودیم که به تدریج جریان انتقادی نسبت به تداوم تصدی غیرقانونی وی البته با تمسک به وضعیت متفاوت سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک اقليم در این پست، شکل گرفت.

شکل‌گیری این جریان منتقد نسبت به حضور مسعود بارزانی در جایگاه ریاست اقليم كردستان عراق، مسئله برگزاری رفراندوم ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷/۳ مهر ۹۶ استقلال اقليم و به تبع آن پررنگ شدن ناسیونالیسم کردی از جانب وی، نه تنها به‌هیچ‌وجه رشد، توسعه و پیشرفت اقليم را در پی نداشت، بلکه نهایتاً کار را به‌جایی رساند که اربیل با تهران، آنکارا و بغداد وارد یک تنش و تخصم نسبی دیپلماتیک شد. اما آنچه مهم است مصلحت‌سنجی و در نظر گرفتن اولویت منافع کردهای عراق نیست، بلکه سایه سنگین زیاده‌خواهی‌های شخصی مسعود بارزانی و تداوم ریاست او بر اقليم كردستان عراق بود که بر هر چیزی ارجحیت داشت. غافل از این که همین زیاده‌خواهی‌ها او را از اریکه قدرتش پایین کشید.

در این راستا زمانی که شرایط سیاسی، اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک «پسارفراندوم» در نهایت سبب شد تا مسعود بارزانی در اول نوامبر ۲۰۱۷/۱۰ آبان ۹۶ به ناچار و از سر اجبار با کرسی ریاست اقليم كردستان عراق که آن را حق خود می‌دانست، خداحافظی کند،

بازهم وی در سمت ریاست حزب دموکرات کردستان عراق و این بار در سایه، نقش پدرخواندگی اقلیم را در طول ۹۲۱ روز گذشته ادامه داد. به‌خصوص با مرگ رقیب او جلال طالبانی و ایجاد فرصت لازم برای تکمیل پروسه قبضه قدرت، به‌هیچ‌وجه مسعود بارزانی حاضر به کوتاه آمدن از تداوم استبداد خودخواسته‌اش نشد. حتی در این میان، برگزاری مجدد انتخابات پارلمانی اقلیم در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۷/۸ مهر ۹۷ و رسیدن ریاست اقلیم کردستان به برادرزاده و پست نخست‌وزیری به پسرش هم او راضی نکرد و وی کماکان بر این باور است که حرف اول و آخر را در اقلیم کردستان عراق، نه دولت فدرال کردی، بلکه او می‌زند.

از این رو است که کماکان سران و مقامات کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی بیش از آن که چشم به دهان نچیروان بارزانی و مسرور بارزانی به عنوان رئیس و نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق داشته باشند، پذیرای مواضع رئیس حزب دموکرات کردستان عراق هستند. اتفاقاً به همین واسطه است که ذیل سفرهای دیپلماتیک و دیدارهای رسمی مقامات دیگر کشورها با مسئولین اقلیم، همواره اولویت اصلی با دیدار مسعود بارزانی، گفت‌وگو و رایزنی با وی است.

هرچند در زمان حضور داعش در اقلیم کردستان، قرار گرفتن مسرور بارزانی، پسر مسعود در منصب نخست‌وزیری اقلیم کردستان تحولی شگرف برای دستیابی مسعود به اهداف بلندمدت بود، اما اتفاقات قبل، حین و پس از داعش، کناره‌گیری عادل عبدالمهدی از قدرت، اعتراضات خیابانی مردم عراق، روی کار آمدن مصطفی کاظمی، افزایش حضور نیروهای آمریکایی در اقلیم و از همه مهم‌تر ناتوانی اقلیم در کنترل ویروس کرونا و ... همه از عواملی بودند که سد بزرگی را بر سر راه مسعود برای دستیابی به اهدافش، در رأس آن تشکیل کردستان بزرگ، ایجاد کرد.

تمامی این موضوعات به جهت همسایگی جمهوری اسلامی ایران با اقلیم کردستان عراق، به وضوح نشان‌دهنده تأثیرپذیری مقوله امنیت ملی جمهوری اسلامی از همسایگی با اقلیم کردستان عراق است. حضور گروهک‌های معاند با جمهوری اسلامی ایران از قبیل حزب دمکرات ایران، حزب کومله، p.k.k و سایر گروهک‌ها، مسئله قومیتی کردها و در پی آن رؤیای تشکیل کردستان بزرگ، ارتباطات روزافزون کردها با آمریکا و رژیم صهیونیستی در آشکار و پنهان، ایجاد حیاط‌خلوتی امن برای فعالیت هسته‌های مخفی گروهک‌های تروریستی داعش، همه و همه مهم‌ترین چالش‌های جمهوری اسلامی در موضوع امنیت ملی در حوزه اقلیم کردستان عراق می‌باشد.

منابع

کتاب‌ها

- ۱- اسناد لانه جاسوسی (۱۳۸۸). کتاب کردها، تهران: وزارت خارجه
- ۲- اوبالاس، ادگار (۱۳۷۷). جنبش کردها، تهران: نگاه
- ۳- بوزان، رابرت (۱۳۷۷). قیام شیخ سعید پیران، مهاباد: رهرو
- ۴- سجادی، علاءالدین (۱۳۷۹). تاریخ جنبش‌های کردستان، سنندج: کردستان
- ۵- سیف زاده، حسین (۱۳۸۳). معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، تهران: وزارت

خارج

- ۶- شیهان، مایکل (۱۳۸۸). امنیت بین‌الملل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۷- افشار، حسن (۱۳۹۶). کردها، عرب‌ها و انگلیسی‌ها: خاطرات والاس لایان در عراق، نشر

مرکز

- ۸- معین‌الدینی، زهرا، عبداللهی، علی (۱۴۰۰). ده روز با داعش: از درون دولت اسلامی، ناشر: کتاب کوله‌پشتی.

مقالات

- ۱- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۵). تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، نشریه علمی و فرهنگی جغرافیا، شماره ۸۳
- ۲- صالحی، حسن (۱۳۹۹). بازخوانی اشغال شنگال توسط داعش، کرد پرس
- ۳- حق پناه (۱۳۹۰). بررسی وضعیت نفت و گاز کردستان عراق، معاونت برنامه‌ریزی نفت جمهوری اسلامی ایران
- ۴- سرهات و اورکمن (۱۳۸۹). ساختار سیاسی اقلیم کردستان عراق، مرکز مطالعاتی اورسام ترکیه
- ۵- یلدیز، کریم (۲۰۰۴). کردها در عراق، گذشته، حال و آینده، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۷.